

بررسی و تحلیل کارکرد سبک‌شناسی فعل در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا

محمد مهدی خسرویان، محمد کیشانی فراهانی*، عبدالرضا سیف

۱- عضو هیئت پژوهشی موسسه لغتنامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۶، صص ۲۵۷-۲۳۷

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8330>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: فعل به‌دلیل برخورداری از عناصر زمان، شخص، جهت و وجه، نه‌تنها هسته گزاره، بلکه از مهمترین ارکان جمله در تحلیل سبک‌شناسی در لایه نحوی محسوب میشود. بررسی و تحلیل فعل در آثار شاعران و نویسندگان میتواند جنبه‌های پنهانی از متن را به روی مخاطب آشکار سازد. دهخدا از شاعران بزرگ مشروطه است که کمتر وجهه شاعری او مورد توجه بوده است. با وجود مطالعات فراوان درباره آثار علی‌اکبر دهخدا، به نظر میرسد پژوهشی در بررسی و تحلیل مسائل دستوری در شعر سیاسی-اجتماعی او صورت نگرفته‌است.

روش‌ها: پژوهش حاضر با هدف تحلیل کارکرد سبک‌شناسی افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا انجام شده است تا به این پرسشها پاسخ دهد: (۱) ویژگی‌های کلیدی افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا کدام است؟ (۲) بسامد و توزیع آماری آنها چگونه است؟ (۳) میان الگوهای غالب فعلی و محتوای سیاسی-اجتماعی اشعار دهخدا چه پیوندی وجود دارد؟ پژوهش حاضر به شکل توصیفی-تحلیلی و با تلفیق روشهای تحلیل محتوای کمی و کیفی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، تنها اشعاری است که جنبه سیاسی-اجتماعی دارند و اشعاری نیز که به زبان ترکی سروده شده‌اند از حوزه این پژوهش خارج هستند.

یافته‌ها: در این پژوهش با روش استقرای تام، ۱۶۰۹ فعل در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا، بررسی و تحلیل گردید. در بخش تحلیل محتوای کمی و کیفی، افعال در ۴ محور زمان، شخص، جهت و وجه بررسی شده و پس از محاسبه بسامد و درصد، پیوند آنها با لایه اندیشگانی این اشعار تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان میدهند که غلبه زمان حال (۹۷۹ فعل، ۶۰.۹٪) و وجه اخباری (۱،۳۲۷ فعل، ۸۲.۵٪)، فقر و فساد را به شکل رویدادی زنده در شعر دهخدا بازنمایی کرده است. استفاده از دوم‌شخص مفرد (۱۹۴ فعل، ۱۲.۱٪) کلام را گفتگو‌محور ساخته و غلبه افعال معلوم (۱،۵۶۳ فعل، ۹۷.۱٪) در کنار گذرا به مسند (۴۷۸ فعل، ۲۹.۷٪) و گذرا به مفعول (۵۶۳ فعل، ۳۵٪)، متن را به ابزاری فعال برای انتقاد سیاسی-اجتماعی تبدیل کرده است. در نهایت، وجه امری (۲۰۴ فعل، ۱۲.۷٪) تلاش دهخدا را در تبدیل مخاطب منفعل به مخاطب فعال بازنمایی میکند.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش، با تمرکز بر فعل به‌عنوان یکی از محورهای اصلی لایه نحوی زبان، کوشیده شد تا پیوند میان انتخابهای دستوری و اغراض سیاسی-اجتماعی دهخدا تحلیل شود. نتایج این پژوهش نشان میدهد که انتخابهای دستوری دهخدا در سطح فعل، کاملاً نظام‌مند و در خدمت دیدگاه انتقادی و طنز سیاسی-اجتماعی او بوده است.

تاریخ دریافت: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ داوری: ۲۹ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ اصلاح: ۱۲ تیر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۸ مرداد ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا،
سبک‌شناسی، دستور زبان فارسی، فعل.

* نویسنده مسئول:

M.kishani@ut.ac.ir

☎ (۰۲۱) ۹۸۸۰۰۰۰



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating and Analyzing the Stylistic Function of Verbs in Dehkhoda's Socio-Political Poetry

M.M. Khosrovian, M. Keyshani Farahani*, A. Seif

1- Member of the research board of Dehkhoda Dictionary Institute and the International Center for Persian Language Teaching, University of Tehran, Tehran, Iran.

2- PhD student in Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

3- Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 17 May 2026

Reviewed: 19 June 2026

Revised: 03 July 2026

Accepted: 19 August 2026

KEYWORDS

Dehkhoda's socio-political poetry, stylistics, Persian grammar, verb.

*Corresponding Author

✉ M.kishani@ut.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The verb, by virtue of incorporating the elements of tense, person, voice, and mood, serves not only as the core of the predicate but also as one of the most significant constituents of the sentence in stylistic analysis at the syntactic layer. The examination and analysis of verbs in the works of poets and writers can reveal hidden dimensions of the text to the reader. Dehkhoda is among the great poets of the Constitutional era, whose poetic dimension has received comparatively little attention. Despite the abundance of studies on the works of Ali-Akbar Dehkhoda, it appears that no research has yet been conducted on the examination and analysis of grammatical issues in his socio-political poetry.

METHODOLOGY: The present study was carried out with the aim of analyzing the stylistic function of verbs in Dehkhoda's socio-political poetry in order to answer the following questions: 1) What are the key characteristics of verbs in Dehkhoda's socio-political poetry? 2) What are their frequency and statistical distribution? 3) What relationship exists between the dominant verbal patterns and the socio-political content of Dehkhoda's poems? The research was conducted in a descriptive-analytical manner, combining quantitative and qualitative content analysis methods. The statistical population of the study consists solely of those poems that possess a socio-political dimension; poems written in Turkish are excluded from the scope of this research.

FINDINGS: In this study, using the method of complete enumeration, 1,609 verbs in Dehkhoda's socio-political poetry were examined and analyzed. In the quantitative and qualitative content analysis section, verbs were investigated along four dimensions—tense, person, voice, and mood—and after calculating frequencies and percentages, their connection with the ideational layer of these poems was analyzed. The findings indicate that the predominance of the present tense (979 verbs, 60.9%) and the indicative mood (1,327 verbs, 82.5%) represents poverty and corruption as a living event in Dehkhoda's poetry. The use of the second-person singular (194 verbs, 12.1%) renders the discourse dialogue-oriented, while the dominance of active-voice verbs (1,563 verbs, 97.1%), together with predicative transitives (478 verbs, 29.7%) and direct-object transitives (563 verbs, 35%), transforms the text into an active instrument for socio-political criticism. Finally, the imperative mood (204 verbs, 12.7%) represents Dehkhoda's endeavor to turn the passive audience into an active one.

CONCLUSION: Focusing on the verb as one of the principal axes of the syntactic layer of language, this study sought to analyze the link between grammatical choices and Dehkhoda's socio-political intentions. The results demonstrate that Dehkhoda's grammatical selections at the verbal level are entirely systematic and serve his critical perspective and socio-political satire.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8330>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 21	 4	 4

مقدمه

علی‌اکبر دهخدا (۱۲۵۷-۱۳۳۴ ش) را باید یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های ادبی، سیاسی و فرهنگی دوران مشروطه دانست که کمتر به عنوان شاعری برجسته شناخته شده است. دهخدا شاعری را با سرودن اشعار عامیانه آغاز کرد و با بهره‌گیری از زبان محاوره، طنزی انتقادی را در خدمت آگاهی‌بخشی افکار عمومی نسبت به مسائل سیاسی-اجتماعی زمانه خود قرار داد. اما بعد از کودتای ۱۲۹۹ شمسی به علت تغییر جو سیاسی به شعر ادیبانه روی می‌آورد. (درودیان، ۱۳۶۲: ص ۴۸) در واقع دهخدا یکسر از جامعه جدا نشد بلکه در اشعار مربوط به دوران پس از کودتا نیز به مبارزه با جهل، خرافه و فساد حکومتی پرداخت اما با این وجود نوع تعلیمی بر اشعار دوره دوم شاعری او غالب گشت.

جایگاه دهخدا در ادبیات فارسی، فراتر از چهره یک روزنامه‌نگار و مترجم است. اگر بخواهیم درباره وجهه شاعرانه دهخدا صحبت کنیم باید بگوییم ناشناختگی چهره شاعرانه دهخدا به این دلیل است که ابعاد دیگر شخصیت او تحت سیطره شخصیت محققانه وی کمرنگ، بیرنگ یا فراموش شده است. (درودیان، ۱۳۶۲: ص ۷) «عظمت کار دهخدا وقتی مشخص می‌شود که می‌بینیم او در عرصه خلاقیت ادبی و نیز در حوزه شعر و نثر از پیشگامان تجدد و تحول ادبی است... دیوان شعر دهخدا اثری از این شاعر بزرگ دوران مشروطه است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ص ۳۷۸).

در خصوص طبقه‌بندی اشعار دهخدا، پژوهشگران نظرات متفاوتی ارائه کرده‌اند. دکتر محمد معین اشعار او را به سه دسته متقدمانه (نظیر مثنوی ان‌شاءالله گریه است)، متجددانه (نظیر مسمط یاد آر ز شمع مرده یاد آر) و فکاهی-عامیانه (نظیر مسمط آکبلای) تقسیم می‌کند. (معین، ۱۳۳۴: صص ۱۰-۱۱) از سوی دیگر، رعدی آذرخشی با تمرکز بر تحول سبک سخن و زمان سرایش، اشعار او را در دو دوره متمایز «دوران کوتاه مشروطیت مقارن با روزنامه صوراسرافیل» و «دوران طولانی پس از انقلاب مشروطه تا اواخر عمر» جای می‌دهد. (رعدی آذرخشی، ۱۳۵۸: ص ۴۳۶)

دهخدا نسبت به جایگاه شاعری‌اش موضعی کاملاً متواضعانه دارد و می‌گوید: «من گاهی تفنن را شعری ساخته و برای دوستانم خوانده‌ام... من خود نیز نمیدانم که این گفته‌ها شعر است یا نظم، قضاوت این امر با خوانندگان» (معین، ۱۳۳۴: ص ۱۱).

قالب‌های شعری که دهخدا برای سرودن اشعارش انتخاب کرده و توانایی خود را در سرودن شعر فارسی به نمایش گذاشته بیشتر مثنوی، مسمط و قطعه هستند. «دهخدا بر اثر استغراق در واژگان و ساختارهای کهن زبان پارسی بیشتر در فضای اسالیب باستانی شعر سروده است و حقاً در این شیوه چنان استادانه از عهده کار بر آمده است که حتی خبرگان فن هم به دشواری می‌توانند پاره‌هایی از سخن او را از سخن استادان عهد قدیم بازشناسند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ص ۳۷۸).

در حوزه مضامین شعری باید گفت دیوان اشعار دهخدا را عموماً مضامین مرتبط با دوران مشروطه تشکیل می‌دهد. «دیوانی که در آن وطن‌پرستی و عشق به آزادی و شرف ملی موج می‌زند و در دو سوی جد و هزل شاهکارهای برجسته‌ای عرضه می‌دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ص ۳۷۷). در خصوص تأثیرپذیری و تأثر دهخدا از دوران مشروطه باید گفت «دهخدا نماد واقعی تأثیر متقابل نهضت مشروطیت و ادبیات در یکدیگر است. اشعار و مقالات او تأثیری عمیق در به ثمر رساندن نهضت مشروطیت داشت و متقابلاً نهضت مشروطیت افکار و اندیشه‌های بلند او را به خود مشغول کرد» (حاج سیدجواد، ۱۳۸۲: ص ۹۹).

اشعار ادیبانه دهخدا سرشار از تمثیل و قصه‌های عامیانه، آیات، روایات و احادیث است که فرهنگ جامعه دوران مشروطه را به نمایش می‌گذارد. از منظر سبک‌شناسی، به‌کارگیری گسترده کلمات عامیانه، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات محلی، زبان او را به گفتار روزمره نزدیک ساخته است و علاوه بر تقویت کارکرد طنزآمیز، باعث همراهی عمیق‌تر مخاطب با پیامهای سیاسی-اجتماعی متن شده است. در تحلیل این سازوکارهای زبانی که در شکل‌گیری سبک دهخدا تأثیر عمیقی دارند، بررسی لایه نحوی کلام او، به‌ویژه مقوله فعل از اهمیت بالایی برخوردار است.

در واقع فعل به عنوان یکی از مهمترین ارکان جمله و هسته گزاره در دستور زبان، محور مباحث دستورنویسان است. فعل واژه‌ای است که وقوع کار، داشتن، بودن یا پذیرفتن حالتی را در یکی از زمانهای گذشته، حال یا آینده بازنمایی میکند و در جایگاه مسند، مفهوم آن را به نهاد نسبت میدهد. (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ص ۵۶) فعل به‌واسطه ویژگیهایی همچون زمان، شخص، جهت و وجه نه تنها هسته گزاره، بلکه یکی از مهمترین متغیرهای تحلیل سبک‌شناسی در لایه نحوی زبان به‌شمار میرود؛ زیرا انتخاب‌های نویسنده از میان امکانات دستوری فعل، مستقیماً با جهان‌بینی، لحن و کارکرد بلاغی متن پیوند دارد.

پژوهش حاضر با تحلیل سبک‌شناسی افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا و تمرکز بر چهار محور زمان، شخص، جهت و وجه، میکوشد نشان دهد که انتخابهای دستوری شاعر در سطح فعل چگونه در خدمت پیشبرد اهداف سیاسی-اجتماعی او قرار گرفته‌اند. بدین منظور، پرسشهای زیر مطرح شده است:

۱) ویژگیهای کلیدی فعل (زمان، وجه، شخص و جهت) در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا کدام است؟

۲) بسامد هر یک از این ویژگیها در پیکره اشعار سیاسی-اجتماعی او چگونه است؟

۳) الگوهای غالب فعلی چه پیوندی با سبک و محتوای سیاسی-اجتماعی اشعار دهخدا دارند؟

هدف کلی پژوهش حاضر، ایجاد یک پیوند نظام‌مند و مشخص میان مباحث دستور زبان فارسی و تحلیل سبک‌شناسی فعل در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخداست تا روشن شود چگونه این انتخابهای زبانی در سطح فعل در پیشبرد اغراض سیاسی-اجتماعی او عمل کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

درباره اشعار دهخدا پژوهشهای فراوانی انجام شده است. مقالات متعددی به موضوعاتی چون سبک طنز دهخدا، نقد و بررسی اشعار دهخدا و مقایسه سبک وی با دیگر شاعران عصر مشروطه پرداخته‌اند. همچنین در زمینه تحلیل سبک‌شناسی فعل در متون ادب فارسی نیز پژوهشهایی صورت گرفته که در این بخش به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

از منظر پژوهشهای انجام شده در مورد اشعار دهخدا، لیلی معنوی (۱۳۷۷) در پایان‌نامه «نقد و بررسی اشعار علی‌اکبر دهخدا» به راهنمایی جعفر حمیدی، به پرسشهای بنیادینی همچون چرایی جدی نگرفتن شعر از سوی دهخدا، چرایی کنار گذاشتن مبارزه قلمی و انتقال او از صحنه فعالیتهای اجتماعی به تحقیق در کنج خانه پاسخ داده است. بشیری (۱۳۷۹) در «جایگاه علامه دهخدا در شعر معاصر» با رویکردی تاریخی-تحلیلی، چهره دهخدا را به عنوان پیشرو در نوآوری شعر معرفی کرده است. همچنین ساکنیان و رشیدی آشجودی (۱۳۹۶) در «سبک‌شناسی شعر طنز دهخدا» با بررسی ابیات طنزآمیز او دریافته‌اند که مهمترین ویژگیها در اشعار طنز دهخدا، شکل بیان، نقش سخن و درون‌مایه هستند. کیشانی فراهانی (۱۴۰۳) در رساله دکتری «تحلیل گفتمان انتقادی

اشعار سیاسی-اجتماعی علی‌اکبر دهخدا، میرزاده عشقی و فرخی یزدی براساس الگوی کارگزاران اجتماعی ون‌لیوون» به بررسی، تحلیل و مقایسه شعر دهخدا، میرزاده عشقی و فرخی یزدی از منظر تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته است.

در بعد نظری و روش‌شناسی، صباغی و میرهاشمی (۱۳۹۷) در «تحلیل کارکرد سبک‌شناختی فعل در رباعیات خیام نیشابوری» نشان دادند که بسامد بالای افعال مادی و رابطه‌ای در رباعیات خیام، بازتاب مستقیم فلسفه جبرگرایانه و تأکید خیام بر گذر زمان و قطعیت نیستی است. همچنین، امیرخانلو (۱۳۹۴) در «سبک‌شناسی غزلیات حافظ بر اساس فعل، رویکرد نقش‌گرا» با تحلیل افعال در غزل حافظ، ثابت میکند که تنوع و بسامد بالای فرایندهای ذهنی و رفتاری در شعر حافظ، با جهان‌بینی رندانه و تأملات درونی شاعر همسویی کامل دارد و از منظر سبکی، وجهیت اشعار حافظ را به‌سوی فضایی گفتمان‌محور و چندلایه سوق میدهد. شنبه‌ای (۱۳۸۹) در «چگونگی استفاده از فعل در نثر گلستان» به این نتیجه دست یافته که «فعل» در گلستان همسو با جهت شاعرانگی کلام سعدی، گاه برای رعایت آهنگ کلام و گاه به جهت بلاغت، تأکید یا رعایت ایجاز، حذف و یا جابجا میگردد. در پیوند میان سبک فعل و محتوای تعلیمی، پژوهش ایشانی و نظیف (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی و تحلیل سبک‌شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» به این نتیجه رسیدند که بسامد قابل توجه فرایندهای رابطه‌ای (وصفی، هویتی) و ذهنی، در راستای هدف تعلیمی و اخلاق‌محور سعدی عمل میکنند.

براساس جستجوهای انجام شده، تاکنون هیچ پژوهشی به تحلیل جامع و یکپارچه در مورد کارکرد فعل در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا نپرداخته است. پژوهش حاضر میکوشد تا با تکیه بر تحلیل سبک‌شناسی فعل، افق‌های تازه‌ای از نظام زبانی و لایه‌های معنایی اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا بگشاید.

ضرورت پژوهش

از دو بعد نظری و کاربردی اهمیت پژوهش حاضر قابل طرح و بررسی است. از بعد نظری، این پژوهش برای نخستین‌بار به تحلیل دستوری و سبک‌شناسی فعل در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا میپردازد. در حالی که شمار قابل توجهی از پژوهش‌های پیشین، محتوا و درون‌مایه طنز دهخدا یا سبک کلی شعر او را بررسی کرده‌اند و هیچ‌یک به بررسی و تحلیل دقیق ساختار دستوری و به‌ویژه کارکرد سبکی فعل در شعر دهخدا نپرداخته‌اند. از بعد کاربردی نیز، نتایج این پژوهش میتواند در جهت آموزش دستور زبان فارسی و سبک‌شناسی به کار گرفته شود و نمونه‌های مستندی از چگونگی کاربرد افعال در شعر شاعران ادب فارسی را در اختیار فراگیران و مدرسان قرار دهد. همچنین، دستاوردهای تحقیق حاضر میتواند به روشن‌شدن پیوند میان انتخاب‌های دستوری و اغراض بلاغی کمک کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و با تلفیق روشهای تحلیل محتوای کیفی و کمی انجام شده است. بدین معنا که ابتدا بر پایه چارچوب نظری دستور زبان فارسی مقوله‌های اصلی تحلیل فعل (زمان، شخص، جهت و وجه) به‌عنوان معیار، تعیین و در مرحله بعد، تمام افعال موجود در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا ذیل مقوله‌ها استخراج و دسته‌بندی شدند. پس از تکمیل گردآوری، داده‌ها با استفاده از روشهای آمار توصیفی (شمارش فراوانی و محاسبه درصد) با ذکر شواهد تحلیل گردیده و نتایج در قالب جداول و نمودارهای مناسب ارائه شده‌اند.

تا بستر مقایسه و تفسیر یافته‌ها فراهم آید. جامعه آماری این پژوهش، اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا است که با روش استقرای تام، ۱۶۰۹ فعل در این اشعار شناسایی، بررسی و تحلیل گردید.

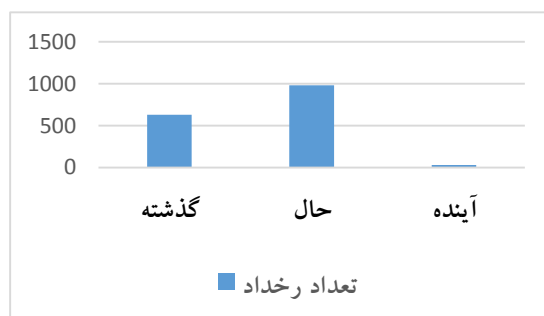
بحث و تحلیل

در میان اجزای جمله، فعل به دلیل ظرفیت آن در نمایش همزمان شخص، زمان، جهت و وجه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در واقع شاعران با نوع انتخاب فعل در پی بیان معانی ضمنی، ایجاد زمینه‌های عاطفی یا ساخت روایی مورد نظر خود هستند. این ویژگی به‌ویژه در شعر شاعران مشروطه و در آثار شاعرانی مانند دهخدا که آگاهانه از زبان روزمره و ساده برای بیان مفاهیم سیاسی-اجتماعی استفاده می‌کنند، اهمیت فراوانی دارد. نکته مهم اینکه زبان دهخدا در دیوان اشعارش زبانی دوگانه است؛ گاه به سبک فاخر و ادبی و گاه به زبان محاوره شعر میسراید. در واقع این دوگانگی زبانی که در افعال نیز دیده می‌شود، تحلیل شعر او را در عین پیچیدگی، ارزشمند می‌کند. در ادامه به تحلیل اشعار دهخدا از چهار منظر زمان، شخص، جهت و وجه خواهیم پرداخت:

الف) تحلیل زمان: «عامل زمان در جمله، نشان‌دهنده میزان فاصله گوینده یا نویسنده با موضوع است. میدانیم که تغییر فاصله گوینده با واقعیت، زاویه دید و ذهنیت وی را تغییر می‌دهد. از این رو عامل زمان متغیر مهمی در میزان واقع‌گرایی متن و شیوه نگاه مؤلف به امور به شمار می‌رود» (فتوحی، ۱۳۹۱: ص ۲۹۱). در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا، توزیع زمان افعال در جامعه آماری ۱۶۰۹ فعلی به شرح جدول شماره ۱ است:

جدول شماره ۱: بسامد زمان افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا

زمان	تعداد رخداد	درصد
گذشته	۶۲۸	۳۹٪
حال	۹۷۹	۶۹٫۹٪
آینده	۲	۰٫۱٪



نمودار شماره ۱: بسامد زمان افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا

۱) زمان حال (۹۷۹ مورد): بسامد غالب زمان حال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا نشان می‌دهد که او، به‌عنوان یکی از پیشگامان ادبیات متعهد عصر مشروطه، نقد استبداد و بیدارسازی مردم را رسالت خود میدانسته و فقر و فساد جاری در جامعه را از حالت یک گزارش خشک بیرون آورده و آن را به شکل رخدادی زنده بیان کرده‌است.

دهخدا با بهره‌گیری گسترده از فعل مضارع، فاصله میان شاعر، موضوع و مخاطب را به حداقل رسانده و با رویکردی انتقادی، مسائل را در لحظه کنونی روایت میکند؛ زیرا «فعل مضارع ارتباط فوری و بی‌واسطه با واقعیت دارد ... و زمان حال بیشتر از گذشته قطعیت دارد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ص ۲۹۱).

در شعر دهخدا زمان حال دو کارکرد اصلی دارد؛ اول: بیان وضع موجود به عنوان واقعیتی انکارناپذیر؛ در شعر «آکبلای» دهخدا فضای سرد سیاسی و فساد دوران مشروطه (رشوه‌خواری، قانون‌گریزی و خرافه‌پرستی) را به صورت وقایع مربوط به گذشته بیان نمیکند؛ بلکه با استفاده از افعال مضارع (منتظری، رود، شود، بگو، هستی)، این بحران‌ها را به شکلی زنده در برابر مخاطب به نمایش میگذارد: «تو منتظری رشوه در ایران رود از یاد/... اسلام ز رمال و ز مرشد شود آزاد؟/یک دفعه بگو مرده شود زنده آکبلای/ هستی تو چه یک پهلوی و یک دنده آکبلای (دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۳)».

دوم: بیان استمرار فساد و رنج حاکم در جامعه؛ در شعر «کنسرت دختران قوچان»، که در مورد فروش دختران قوچان به ترکمانان بود و این مسئله خود یکی از خواسته‌های آزادی‌خواهان محسوب میشد. (کسروی، ۱۳۸۳: ص ۲۲۶) دهخدا شعری با وزن و آهنگ یک تصنیف قدیمی در زیر عنوان چرند و پرند در شماره چهارم صوراسرافیل منتشر میکند. (دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۱۳) در این شعر دهخدا با بهره‌گیری از زمان حال، شکاف میان حاکمان مستبد و مردم ستمدیده جامعه را به شکل یک فاجعه زنده و جاری بیان مینماید و بی‌سوادی، ناآگاهی و بی‌پناهی مردم به عنوان یک گزاره مربوط به گذشته مطرح نمیشود بلکه توصیفی است از شرایط عصر مشروطه که از زبان دختران قوچان و به در زمان حال بیان میشود:

بزرگان	جملگی	مست	غرورند	خدا	کسی	فکر	ما	نیست
ز انصاف	و مروّت	سخت	دورند	خدا	کسی	فکر	ما	نیست
رعیت	بی‌سواد	و منگ	و کورند	خدا	کسی	فکر	ما	نیست

(دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۱۳)

۲) زمان گذشته (۶۲۸ مورد): افعال گذشته در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا، بیشتر از نوع ماضی ساده (۴۹۹ مورد) هستند؛ که از نظر معنایی چندان از زمان حال دور نیست و در عین حال بر وقوع و قطعیت اتفاق دلالت میکنند. دهخدا از زمان گذشته عمدتاً به سه صورت بهره میبرد، اول: در جایگاه مقدمه‌چینی؛ به این ترتیب که ابتدا با افعال گذشته، اتفاقات رخ داده را گزارش میکند و سپس در جملات و مصرعهای بعدی، نتیجه‌گیری انتقادی یا طنزآمیز خود را از آن میگیرد. دهخدا در شعر «وصف‌الحال لوطیانه» که در جهت نقد دوران مشروطه سروده از این ساختار مقدمه‌چینی سپس نتیجه‌گیری به‌خوبی استفاده میکند:

هیچ‌کس	واسه	ما	یک	پاپاسی	کار	نکرد	یه	از این	خوش‌غیرتا	ذره‌ای	کردار	نکرد
چه	خیانت‌ها	که	آن	بی‌رگ	دیندار	نکرد	تا	سوار	خر	خود	شد،	خرشو

باز بگو مشروطه از ما چرا بیزار شده (همان: ص ۱۷)

دوم: در داستانهایی که جنبه سیاسی-اجتماعی و طنزآمیز دارند به منظور ایجاد فاصله از رخداد از زمان گذشته استفاده میکند تا میان حوادث و اشخاص حاضر در داستان و شرایط کنونی جامعه فاصله بیندازد. در واقع دهخدا با استفاده از کاربرد فعل ماضی در داستانها به نوعی به نقد حال میپردازد اما به شکلی که در قالب داستان و در

زمان گذشته اتمام یافته باشد. در مثنوی «شکوه پیر زال» ستم ظالمی را از زبان پیرزنی به تصویر میکشد که خان و مانش را به زور از او گرفته‌اند:

که می‌رفت و می‌گفت سیر از جهان ربوده ز کف ظالمش خان و مان
(همان:ص ۸۳)

سوم: در داستانهای سیاسی-اجتماعی نظیر «ان‌شاءالله گربه است»، «در چنگ دزدان»، «دانم، دانم» با استفاده از فعل ماضی ساده، اعمال و رفتارهای مضحک و رسواگرانه شخصیت‌های داستان را که هر یک تصویری از شخصیت سیاسی-اجتماعی عصر هستند را بازنمایی میکند. در مثنوی «ان‌شاءالله گربه است» پس از توصیف ظاهر مضحک شیخ شفت میگوید:

شیخی این سان که ذکر خیرش رفت بود وقتی امام مسجد شفت
(همان:ص ۲۱)

۳) زمان آینده (۲ مورد): بسامد ناچیز زمان آینده، بیانگر این موضوع است که دهخدا شخصیتی آرمان‌گرا و منفعل نیست بلکه شخصیتی فعال، آزادی‌خواه و منتقد وضع موجود است. در واقع دهخدا اصلاحات را برای امروز میخواهد و به مخاطب وعده فردای بهتر نمیدهد. در دوران مشروطه که به تعویق انداختن اصلاحات در پیوند با وعده آینده بود، دهخدا به عنوان یک روزنامه‌نگار و شاعر تیزبین نسبت به این موضوع آگاهی داشت. در شعر «کنسرت دختران قوچان» دهخدا از زبان این دختران میگوید:

که خواهد برد تا مجلس پیامم خدا کسی فکر ما نیست
(همان:ص ۱۵)

در این بیت، استفاده از زمان آینده با نوعی ناامیدی، تردید و درماندگی همراه است و تداعی کننده وعده‌های دروغین و عدم پیگیری مسئولین در دوران مشروطه است. در شعر «کارزار» که دومین نمونه کاربرد فعل آینده در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا محسوب میشود، فردا و فکر به فردا عاملی است که باعث شک و تعلل میشود:

بزن دشمن اینک چو دانی زدن چه ترسی که فردا چه خواهد شدن
بلرزیدش امروز دست نبرد چو در فکر فردا فرو رفت مرد
(همان:ص ۱۲۷)

ب) تحلیل شخص: مقوله دستوری «شخص» در زبان فارسی برای نمایش تمایز نقش شرکت‌کنندگان در یک کنش به کار میرود. «فعل مانند ضمیر بر اول شخص (متکلم، گوینده) و دوم شخص (مخاطب، سخنگیر) و سوم شخص (غایب)، دلالت میکند و هر یک از اینها بر دو قسم است: مفرد و جمع» (فرشیدورد، ۱۳۹۰:ص ۳۷۸). نوع انتخاب شخص، یکی از عوامل مهم در تعیین رابطه بین گوینده و موضوع کلام است. این انتخاب فراتر از یک ویژگی دستوری است و میتواند سطح تعهد شاعر نسبت به یک موضوع و یا فاصله‌گیری او از موضوع را به نمایش بگذارد.

شاعرانی که در فضای انتقادی و اجتماعی شعر میسرایند، اغلب آگاهانه از شخص استفاده میکنند تا موضع خود را نسبت به موضوع بیان کنند یا برعکس، آن را پنهان سازند. در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا نیز که

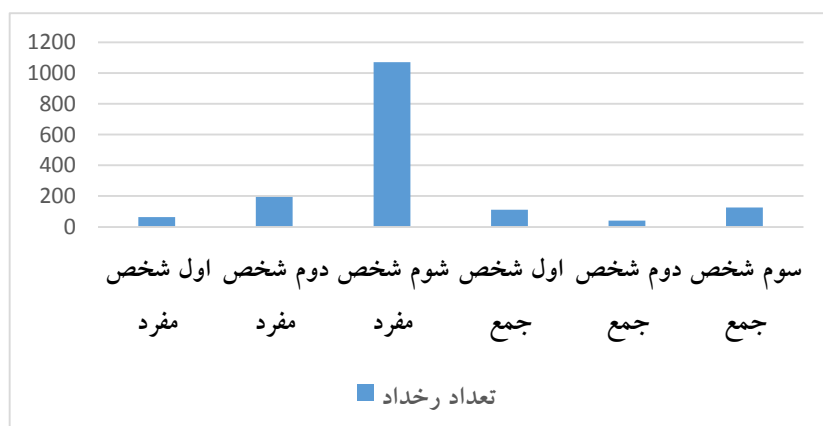
بازتاب‌دهنده فضای دوران مشروطه است، بررسی انتخاب شخص می‌تواند نشان دهد که چگونه دهخدا از طریق انتخاب شخص فعل، موضع‌گیری خود را بیان میکند.

در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا، توزیع شخص افعال در جامعه آماری ۱،۶۰۹ فعلی به شرح جدول شماره ۲ است:

جدول شماره ۲: بسامد شخص افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا

شخص	تعداد رخداد	درصد
اول شخص مفرد	۶۴	۴٪
دوم شخص مفرد	۱۹۴	۱۲٪/۱
سوم شخص مفرد	۱۰۷۲	۶۶٪/۶
اول شخص جمع	۱۱۱	۶٪/۹
دوم شخص جمع	۴۱	۲٪/۵
سوم شخص جمع	۱۲۷	۷٪/۹

۱



نمودار شماره ۲: بسامد شخص افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا

۱. سوم شخص مفرد (۱۰۷۲ مرتبه)، غلبه فعل سوم شخص مفرد در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا به این علت است که دهخدا در بخش بزرگی از اشعار سیاسی-اجتماعی خود در حال روایت قصه‌های تمثیلی است تا بدین وسیله به توصیف و نقد پدیده‌های سیاسی-اجتماعی بپردازد. به عبارت دیگر دهخدا برای توصیف حالات دیگران (حاکم، دزد، شیخ، زن و...) که هر یک نمودار طبقه‌ای از جامعه هستند از ساخت سوم شخص استفاده کرده است. در شعر «آب دندان بک» که یکی از بلندترین اشعار سیاسی-اجتماعی دهخداست با استفاده از فعل سوم شخص، دهخدا خود را در جایگاه گزارشگری قرار می‌دهد که شخصیت اصلی یعنی حاکم را توصیف میکند:

پیش از این بود در دیار اتم حاکمی نامش آب‌دندان بک
صافی و ساده، بردبار و سلیم با رضا جفت و یار با تسلیم
(دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۶۳)

۲. دوم شخص مفرد (۱۹۴ مرتبه)، استفاده دهخدا از فعل دوم شخص مفرد، بیانگر سبک خاص دهخدا و نشانه عبور او از حالت تک‌گویی سنتی به سبکی گفتگو محور و تعاملی است. در واقع استفاده از این ساخت، یادآور ستون چرند و پرند نشریه صوراسرافیل است که در آن دهخدا در قالب داستان‌هایی جذاب شخصیت‌ها را مورد خطاب قرار میداد تا هم داستان به شکلی زنده‌تر بیان شود و هم بر جذابیت داستان بیفزاید. چنانکه گفته شد دهخدا برخی از اشعار سیاسی-اجتماعی خود نظیر: «آکبلای، رؤسا و ملت، وصف‌الحال لوطیانه» را در قالب گفتگو با شخصیت‌های نمادین سروده که در این سروده‌ها استفاده از ساخت دوم شخص مفرد با کارکردهای مختلفی همراه است؛ گاهی برای استهزاء و تحقیر شخصیت‌هایی از این ساخت استفاده کرده‌است. به طور مثال در شعر «آکبلای» خطاب به شخصیت آکبلای افکار او را مورد استهزاء قرار میدهد: «صدبار نگفتم که خیال تو محال است» (همان: ۲) یا در شعر «رؤسا و ملت» از زبان مادر خطاب به فرزند میگوید: «بترکی این همه خوردی کمه» (همان: ۴). کارکرد دیگر استفاده از دوم شخص مفرد برای زنده‌تر کردن وجهه طنز است؛ برای مثال در یک شعر فکاهی به مناسبت سفر رابیندرانات تاگور به ایران که به دلایل سیاسی به سردی مورد استقبال قرار گرفت، دهخدا اینگونه میسراید:

تو گر سقراط عصری چون نترسی که ریزندت به ساغر شوکرانات
بحمدالله که در ایران نبودی به روز جنگ ما در چالدران
وگرنه ترک نادانی گلوله زدی برگردنت یا گردرانات
(همان: ۱۴۷-۱۴۸)

۳. اول شخص مفرد (۶۴ مورد)، «اول شخص فقط اینجا و اکنون در هنگام بیان ماجرا حضور ندارد؛ بلکه در زمان رخ دادن حوادث هم از نزدیک درگیر کنش‌های داستان بوده است» (Fludernik, ۲۰۰۹: ۳۱) و حضور او در دل روایت و نزدیکی او به حوادث شرح و تفسیر وی را برای مخاطب پذیرفتنی‌تر میکند. (Frye, ۱۹۸۶: ۶۵) دهخدا در اشعار سیاسی-اجتماعی خود به سه شکل از فعل اول شخص مفرد استفاده کرده است. اول در مورد حوادثی که به نوعی در آن نقش داشته تا ضمن نمایش حضور فعال خود، صدق کلام خود را نیز نشان بدهد. نمونه عالی این مسئله در شعر «آکبلای» وجود دارد وقتی در گفتگو با آکبلای پیش‌بینی و مصلحت‌اندیشی خود را چنین بیان میکند:

صد بار نگفتم که خیال تو محال است تا نیمی از این طایفه محبوس جوال است
(دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۱)

دوم: در شعر «نمی‌خواهم»، دهخدا با کاربرد پیوسته فعل نمی‌خواهم در واقع سرخوردگی و ناامیدی مشروطه‌خواهان را به تصویر کشیده تا تزویر، فریب، دزدی را به عنوان عناصر اصلی فقر، بیچارگی و بی‌نتیجه‌ماندن مشروطه بیان کند:

مرا مردن برای حق بسی شیرین‌تر از شهد است به باطل لیک خاری خُرد بر پیکر نمی‌خواهم
(همان: ص ۱۷۲)

سوم: در داستانها برای بازنمایی فعال شخصیتها. در شعر «دانم، دانم» دهخدا برای بازنمایی زنی که قرار است برای مهمانی غذا درست کند، از تکرار فعل اول شخص مفرد استفاده کرده است. در واقع کاربرد متواتر فعل اول شخص در این داستان طعنه به مدعیان دروغین است. در این شعر که دهخدا آن را «از قصه‌های عامیانه اخذ و اقتباس کرده است، نادانی مدعیان را به طعن و تمسخر میگیرد» (درودیان، ۱۳۶۲: صص ۶۳-۶۴).

این خسان که جمله دانم دانم اند
مدعاشان یمی و کم از نم‌اند
(دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۵۵)

۴. سوم شخص جمع (۱۲۷ مورد)، با استفاده از سوم شخص جمع، با وجود عدم دسترسی به ذهنیت تمامی افراد، به کمک نشانه‌های رفتاری و گفتاری میتوان افکار و احساساتی که در جمع بروز یافته را شناسایی و بیان کرد (Marcus، ۲۰۰۸: ۴۸-۴۹) دهخدا از سوم شخص جمع به دو منظور استفاده میکند؛ اول برای نقد دسته‌جمعی طبقات و اصناف (بزرگان، مردم، رؤسا و...) به هر دو صورت فعال و منفعل. در واقع دهخدا یکی از عوامل اصلی شرایط بد اجتماعی را انفعال بزرگان و مردم میداند:

بزرگان جملگی مست غرورند خدا کسی فکر ما نیست
رعیت بی‌سواد و منگ و کورند خدا کسی فکر ما نیست
(دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۱۳)

یا فعالیت و رفتارهایی که به ضرر انقلاب مشروطه و جامعه است:

خلق بی‌منت و دون و کنس و بدکنشد
بی سر په لش مرده همه در کشمکشند
(همان: ص ۱۷)

دوم، برای بیان یک کنش بدون ذکر فاعل (گفته‌اند یا کشیده‌اند) به سبب ارجحیت گفته بر معرفی گوینده که بیشتر برای نقل باورهای عامه مردم به کار رفته است. «بهره‌گیری از امثال و حکم به سبب پژوهشهای بخش مهمی از مضمونها و تعبیرهای شعرها را تشکیل میدهد. گاه‌گاه به نکته‌های اخلاقی روی می‌آورد و گاه‌گاه به اشارات سیاسی» (عابدی، ۱۳۷۹: ص ۱۵۳). مثلاً در شعر «ان شاء الله گربه است» میگوید:

گفته‌اند این و گفته‌ای زیباست
بی عمل کار علم ناید راست
(دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۲۸)

یا در شعر «خیز خر خر کشد به چشم ببین» این چنین میگوید:

در مثل گفته‌اند اهل نظر
زر کشد زر و درد سر بی زر
(همان: ص ۵۹)

۵. اول شخص جمع (۱۱۱ مورد)، کاربرد این صیغه از نظر عاطفی و جامعه‌شناسی بسیار ارزشمند است. در واقع این ساخت در شعر دهخدا به سه شکل استفاده شده است. اول، دهخدا هر جا که میخواهد همبستگی ملی و درد و رنج مشترک کسانی که در راه مشروطه تلاش کرده‌اند را فریاد بزند و خود را در میان مشروطه‌خواهان قرار دهد از ساختار اول شخص جمع استفاده میکند تا اعتبار گفته خود را بالا ببرد و در عین حال مخاطب را با خود همراه و همدل گرداند. در شعر «وصف الحال لوطیانه» میگوید:

مشتی اسمال نمیدونی چه کشیدیم به حق
چقده واسه مشروطه دودیدیم به حق
پاهامان پینه زد و پاک بریدیم به حق
یه جوون پر و پا قرص ندیدیم به حق
(همان: ص ۱۶)

دوم، برای نمایش درد و رنج مشترک از این ساخت استفاده کرده است. در شعر «کنسرت دختران قوچان» وقتی از رنج مشترک از زبان دختران می‌گوید، به یک مسئله مهم و اساسی اشاره می‌کند:

گر از کوی وطن مهجور ماندیم خدا کسی فکر ما نیست
وگر از هجر او رنجور ماندیم خدا کسی فکر ما نیست
نپنداری ز عشقش دور ماندیم خدا کسی فکر ما نیست
(همان:ص ۱۴)

سوم، در داستانها برای اظهار فساد جاری در میان مسئولین از این ساخت استفاده کرده است. در شعر «در چنگ دزدان» از اول شخص جمع به شکل خودانتقادی و ابزاری برای اعترافی از سوی مسئولین که هیچ‌وقت اظهار نمیشود، استفاده کرده است:

گر نمی‌بودیم یک سر زن به مزد کی تسلط یافتی بر جمله دزد
(همان:ص ۴۳)

۶. دوم شخص جمع (۴۱ مورد) استفاده از این ساخت بیشتر در جهت دعوت به اقدام در راستای حل مسائل سیاسی-اجتماعی صورت گرفته است. دهخدا در شاهکار سیاسی‌اش، شعر «مردم آزاده»، ملت ایران را به صورت جمع مورد خطاب قرار داده و با استفاده مداوم از دوم شخص جمع، آنها را به بیداری، خیزش و در دست گرفتن سرنوشت خویش فرامیخواند:

ای مردم آزاده کجائید؟ کجائید؟ آزادگی افسرد، بیایید بیایید
(همان:ص ۱۵۴)

و با یادآوری هویت ستایش برانگیز مردم، آنها را تحریک می‌کند:

در قصه و تاریخ چو آزاده بخوانید مقصود از آزاده شمائید شمائید
(همان:ص ۱۵۴)

در مقابل دهخدا برای بیان تحقیر افرادی که به هر نوعی پیمان‌شکنی یا کارشکنی کرده‌اند از این ساخت استفاده کرده است. در شعر «ای کوفیان» استفاده از ساخت دوم شخص جمع ابزاری برای محکوم کردن کوفیان است:

گفتید ما یار توایم یاران غمخوار توایم
از بد نگه‌دار تو ایم ای کوفیان ای کوفیان
(همان:ص ۲۰۱)

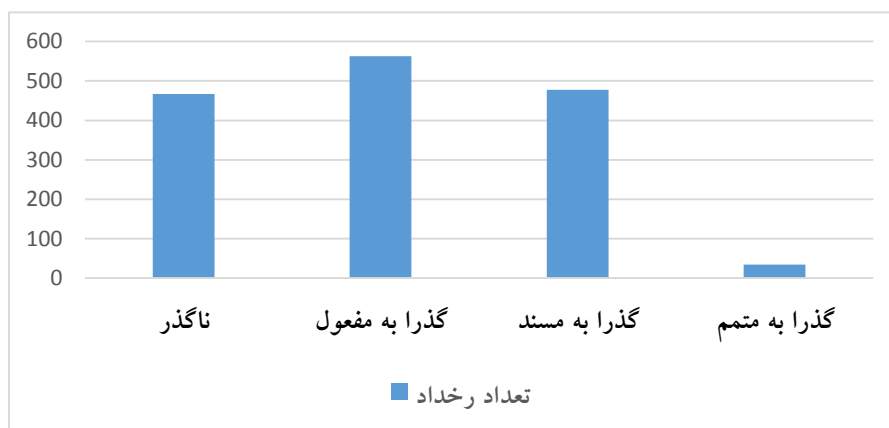
ج) تحلیل جهت: کوتاه‌ترین شکل جمله کامل، جمله‌ای دوجزئی با فعل ناگذر است؛ در این نوع جمله، فعل تنها به نهاد نیاز دارد و کنش یا حالت در محدوده نهاد متوقف می‌شود. در مقابل، افعال گذرا برای ارائه معنایی کامل و بدون ابهام، افزون بر نهاد، به واحد زبانی ضروری دیگری (مفعول، مسند و متمم) نیازمندند. (انوری و احمدی، ۱۳۹۰: ص ۶۹)

از منظر سبک‌شناسی، بسامد بالای استفاده از افعال گذرا که رویداد را به نهاد کنشگر نسبت می‌دهند، «صدای دستوری» متن را فعال، پویا و کنش‌محور می‌سازد؛ صدای دستوری رابطه میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت‌کنندگان در فرایند فعلی (فاعل، مفعول و ...) است. (فتوحی: ۱۳۹۱: ص ۲۹۵) در حالی که غلبه افعال ناگذر یا ارجاع فعل به نهاد کنش‌پذیر، صدای متن را منفعل‌تر و ایستاتر و تمرکز را از کنش به حالت معطوف می‌کند.

شعر دهخدا نیز که عمدتاً بازتاب‌دهنده مسائل روز جامعه، نقد قدرت و وقایع دوران مشروطه است، بستری مناسب برای بررسی کارکرد این نوع افعال فراهم می‌آورد. بر مبنای بررسی افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا، بسامد جهت افعال به شرح جدول شماره ۳ است:

جدول شماره ۳: بسامد جهت افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا

جهت	تعداد رخداد	درصد
گذرا به مفعول	۵۶۳	۳۵٪
گذرا به مسند	۴۷۸	۲۹٪/۷
گذرا به متمم	۱۰۱	۶٪/۳
ناگذر	۴۶۷	۲۹٪



نمودار شماره ۳: بسامد جهت افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا

۱. گذرا به مفعول (۵۶۳ مورد)، بسامد بالای افعال گذرا به مفعول بازتاب‌دهنده جهان‌بینی کنش‌گرانه و انقلابی دهخدا است. دهخدا از این ساخت برای کنش انتقادی استفاده کرده است؛ افعالی نظیر دمیدن «اسرار نهان را همه در صور دمیدی» (دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۲)، بریدن «تریاک برید عرق حمیت به جهنم» (همان: ص ۲) برای تصویرسازی اتفاقات و فساد دوران مشروطه، دید «دیدي به ما فلک چه‌ها کرد» (همان: ص ۱۳)، برای فراخوانی مخاطب به همدستی در شهادت، همچنین از فعل گفت که پربسامدترین فعل گذرا به مفعول در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا محسوب می‌شود در حکایتهای مختلف، برای بازنمایی صحنه‌های گفتگو استفاده کرده است. در مثنوی «آب دندان‌بک»، فعل «گفت» بارها تکرار می‌شود:

گفت حاکم: ز چیست غوغا گفت: از جور نوکر آقا
(همان: ص ۷۲)

۲. گذرا به مسند (۴۷۸ مورد)، فعل اسنادی کار و حرکتی را نشان نمی‌دهد، بلکه صفت، شغل یا حالتی (مسند) را قاطعانه به نهاد نسبت می‌دهند. بخش اعظمی از فعلها در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا به شکل گذرا به مسند به کار رفته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که ساخت گذرا به مسند یک ابزار بلاغی مهم در بیان مسائل سیاسی-اجتماعی در شعر دهخدا است.

دهخدا از فعل اسنادی به چند شکل استفاده کرده است؛ نخست، به منظور نقد اجتماعی. وقتی می‌خواهد یک طبقه را محکوم کند، از فعل کنشی (کرد، رفت) کمتر بهره میبرد و بیشتر از فعل اسنادی (است، هستند، شده، بود) استفاده میکند. دلیل آن روشن است؛ فعل کنشی اتفاقی گذرا را بیان مینماید، اما فعل اسنادی اتفاقی ثابت یا هویت را بازنمایی میکند. کاربرد مکرر فعل اسنادی در شعر «وصف‌الحال لوطیانه»، دگرگونی اجتماع در دوران مشروطه را نشان میدهد. در این شعر هر مصرع با یک تغییر هویت پایان مییابد: «هر کسی واسه خود یکه میاندار شده/ علی زهتاب در این ملک پاطوقدار شده/ وکیل مجلس ما جنت آقا سردار شده.../ تقی نجار یه پا اوستای معمار شده (همان: صص ۱۶-۱۷)» این زنجیره «شده‌ها» تصویری از آشفتگی طبقاتی دوران مشروطه را آشکار میسازد.

دوم، برای اینکه نشان دهد فساد به شکلی عمیق در میان مردم و مسئولین جاری گشته از فعل اسنادی استفاده میکند «بزرگان جملگی مست غرورند.../ ز انصاف و مروت سخت دورند.../ رعیت بی‌سواد و منگ و کورند» (همان: ص ۱۳) یا در شعر «آبدندان یک» با ارائه فهرستی بلند، که یک گزاره اسنادی واحد است تصویری از دربار انباشته از انسانهای فاسد را نمایان میسازد:

مجلس انباشته به مفت‌خوران انگل دسترنج رنجبران
(همان: ص ۶۸)

۳. گذرا به متمم (۱۰۱ مورد)، از نظرگاه کنش‌گفتاری، افعال گذرا به متمم غالباً مربوط به احساسات و نگرش هستند؛ در حالی که شعر دهخدا در اساس عملگرا است. در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا افعال گذرا به متمم غالباً مربوط به عواطف و ادراکات هستند. مانند: ترسیدن از «نه ترس ز تکفیر و نه از پیش‌تو شاپشال» (همان: ص ۲)، بیم از: «نه بیم ز کف بین و نه جنگیر و نه رمال» (همان: ص ۲) رنجور ماندن از: «وگر از هجر او رنجور ماندیم» (همان: ص ۱۴)، مهجور ماندن: «گر از کوی وطن مهجور ماندیم» (همان: ص ۱۴). در شعر «کارزار» بیت کلیدی «بلرزیدش امروز دست نبرد/ چو در فکر فردا فرو رفت مرد» (همان: ص ۱۲۷) در فکر فردا فرو رفتن مرد مانعی برای اقدام و کنش معرفی میشود. به طور کلی دهخدا آگاهانه از زبان متممی بهره میبرد، چون آن را عامل تردید، انفعال و ناتوانی میدانند. در واقع کنش‌های مستقیم و بیرونی که نیازمند مفعول مستقیم هستند در اشعار او کاربرد بیشتری دارند تا متمم‌های غیرمستقیم و ذهنی و زبان شعر سیاسی-اجتماعی دهخدا بیشتر به افعال گذرا به مسند و مفعول گرایش دارد.

۴. افعال ناگذر (۴۶۷ مورد)، دهخدا از این افعال به شکلی گسترده و به دو منظور بهره برده است. از یک سو برای بیان تلاشهای بی‌سرانجام و پویایی ناکام مشروطه‌خواهان نظیر «چقده واسه مشروطه دویدم به حق/ پاهامان پینه زد و پاک بریدیم به حق» (همان: ص ۱۶) و از سوی دیگر با افعال ناگذر تصویرسازی جامعه دچار زوال و سکون. در شعر «رؤسا و ملت»، پیوستگی افعال ناگذر «گریه نکن، گرگه می‌آد، جون میدم، بچه رفت، آه ماند» تصویر مرگ تدریجی کودک که نمادی از ملت است را بازنمایی میکند. در واقع دهخدا با به کاربردن گسترده افعال ناگذر مشکلات جامعه دوران خود را نه به شکل رخدادهایی منفرد و گذرا، بلکه به صورت مسائلی ماندگار در جامعه بیان میکند.

معلوم و مجهول: ساخت مجهول به نویسنده اجازه میدهد فاعل را حذف کند یا به مشارکت‌کننده متأثر برجستگی ببخشد. (Leech & Short، ۲۰۰۷: ۱۸۶) در سراسر اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا، ۴۶ ساختار مجهول به کار رفته است و بقیه افعال از حیث جهت، معلوم (۱۵۶۳ مورد) هستند؛ «متنی که با بسامد بالای

جمله معلوم تولید میشود صدای فعال دارد و متنی که با بسامد بالای جمله مجهول تولید شود صدای منفعل یا پذیرا خواهد داشت» (فتوحی، ۱۳۹۱: ص ۲۹۶).

بسامد اندک افعال مجهول در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا نشان‌دهنده گرایش سبکی او به بیان مستقیم و پرهیز از ساخت‌های مجهول است که با لحن طنزآمیز، انتقادی و هماهنگی کامل دارد. در شعر «وصف‌الحال لوطیانه» که بیشترین تراکم کاربرد فعل مجهول را داراست (۱۵ مورد) عامل انحطاط و وضعیت ناهنجار عصر مشروطه را بازنمایی نمیکند:

هر کسی واسه خود یکه میاندار شده علی زهتاب در این ملک پاطوقدار شده
(دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۱۶)

در شعر «یادآر ز شمع مرده یادآر» که دهخدا آن را در رثای میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل سروده و شعری مملو از نماد است؛ از عامل مرگ او حرفی نمی‌زند:

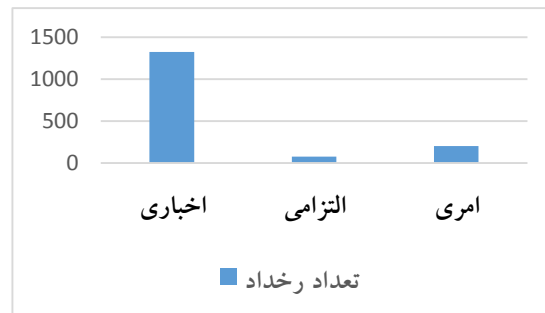
ز آن کس که ز نوک تیغ جلاد مأخوذ به جرم حق‌ستائی
(همان: ص ۹)

د) تحلیل وجه: «طریقه‌ای که جریان فعل از طرف گوینده نقل میشود، برحسب آن که از وقوع فعل خبر بدهد، یا قصد خود را به انجام دادن، یا میل به انجام یافتن، یا شرط انجام گرفتن، یا امر به انجام دادن فعلی را بیان کند» (خانلری، ۱۳۶۶: ص ۱۶۸). وجه، روابط میان گوینده و مخاطب را سامان میدهد و نقشی سازنده در القای معنای بینافردی و شکل‌دهی به تعامل اجتماعی میان طرفین ایفا میکند. «با بررسی مقوله وجهیت، میتوان از جنبه‌های روانشناختی زبان و سبک مؤلف، آگاهی دقیق‌تری حاصل کرد... وجهیت، تعامل میان گوینده و مخاطب را افزایش میدهد و زمینه نوعی اعتماد و همدلی یا تعارض را در گفتگو فراهم میکند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ص ۲۹۱). نویسندگان و شاعران با استفاده از وجوه مختلف افعال، علاوه بر انتقال اطلاعات سعی دارند نگرش خود را نیز بیان کنند. این ویژگی به‌ویژه در متونی که بازتاب‌دهنده مسائل سیاسی-اجتماعی هستند؛ نمود بیشتری پیدا میکند. «وجهیت دستوری‌شدگی نگرشها و عقاید ذهنی گوینده است» (Palmer, ۱۹۸۶: ۱۶) و ابزاری است که مردم با «آن درجه تعهد و التزام و سرسپردگی خود را نسبت به حقیقت گزاره‌هایی که میگویند بیان میکنند» (Fowler, ۱۹۸۶: ۱۳۱).

وجهیت در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا بازتاب‌دهنده تردید، قضاوت شخصی یا تلاش شاعر برای درک و معنا بخشیدن به شرایط پیرامون است. توزیع فراوانی و درصد وجوه سه‌گانه فعل در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا به شرح جدول شماره ۴ است:

جدول شماره ۴: بسامد وجه افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا

وجه	تعداد رخداد	درصد
اخباری	۱۳۲۷	۸۲٪/۵
التزامی	۷۸	۴٪/۸
امری	۲۰۴	۱۲٪/۷



نمودار شماره ۴: بسامد وجه افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا

الف) وجه اخباری (۱۳۲۷ مورد): بسامد بالای وجه اخباری در متن داستانی یا شعر بیانگر ارتباط نزدیک گوینده با رخدادهاست (فتوحی، ۱۳۹۱: ص ۲۸۷). غلبه وجه اخباری در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا بیانگر واقع‌گرایی انتقادی و ارتباط نزدیک دهخدا با مسائل سیاسی-اجتماعی عصر مشروطه است. او مشکلات جامعه، فقر، فساد و استبداد را به‌عنوان وقایع و رویدادهای قطعی و انکارناپذیر، بیان میکند تا نشان دهد شعرش بر اخبار، گزارش و بیان حقایق استوار است؛ وقایعی که یا در گذشته اتفاق افتاده‌اند یا در زمان حال در جریان هستند.

در زمان حال دهخدا با کاربرد «است و نیست» فساد را به‌عنوان یک موضوع جاری به نمایش می‌گذارد؛ در شعر «کنسرت دختران قوچان» ۱۷ مرتبه از «نیست» استفاده کرده تا فساد، انفعال و بیچارگی را بازنمایی کند. دهخدا با انتخاب وجه اخباری در شعر «آب دندان‌بک» (۲۴۵ مورد)، «آن شاء الله گربه است» (۱۹۰ مورد) و در «وصف‌الحال لوطیانه» (۱۰۵ مورد) حالتی آگاهانه و مستند به کلام می‌بخشد و شعر خود را به‌عنوان عرصه‌ای برای بازتاب بی‌واسطه و انکارناپذیر واقعیت اجتماعی عرضه می‌کند. همچنین استفاده از وجه اخباری برای بیان فاجعه، ردیلت یا خرافه، در داستانها خود به شکلی از طنز تبدیل می‌شود و شکاف میان «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» را به شکلی برجسته بیان می‌کند.

ب) وجه التزامی (۷۸ مورد): وجه التزامی، که برای بیان وقوع فعل همراه با تردید، شرط، آرزو یا احتمال به کار می‌رود، در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا کوچکترین گروه در میان سه وجه فعل است. دهخدا هر جا که به فردای آزادی امید بسته، یا شرطی برای اصلاح امور گذاشته و یا اهداف انقلاب مشروطه را تبیین کرده، از این وجه بهره برده است. در شعر «مردم آزاده»، دهخدا وجه التزامی را به کار می‌برد و شرط آزادی را، مرد خدا بودن و گزینش راه درست میدانند:

گیرید همه از دل و جان راه مصدق زین راه در آئید اگر مرد خدائید
(دهخدا، ۱۳۶۰: ص ۱۵۶)

در یک مثنوی دهخدا که بدون نام در دیوان او ثبت شده است پیوند میان «وای» و «اگر» که هر دو وجه التزامی را می‌آفریند حالتی از ترس و تردید را در مخاطب ایجاد می‌کند. دهخدا در این شعر افق بسته امید و فقدان قطعیت

و پیش‌بینی هشدارآمیز را به تصویر میکشد و با به کارگیری زنجیره‌ای از افعال التزامی، جهانی را ترسیم میکند که در آن آینده نه یک مقصد روشن، که منبع بی‌انتهای اتفاقات ناگوار محتمل است:

وای اگر معزول آیم زین مقام چون کنم با لوم این مشتی لثام
(همان: ص ۹۴)

ج) وجه امری (۲۰۴ مورد): وجه امری را میتوان یکی از قدرتمندترین ابزار زبانی دهخدا در ستیز با انفعال و تلاش برای بیداری مردم شمرد. در واقع او در جایگاه یک منتقد اجتماعی تنها به گزارش وقایع و اتفاقات نمیپردازد بلکه با استفاده از وجه امری مخاطب را به کنشگری دعوت میکند. به عبارت دیگر هرچند وجه امری از نظر آماری کم‌بسامدتر از اخباری است اما بار بلاغی به مراتب بیشتری دارد. در شعر «مردم آزاده» تراکم وجه امری، گامی در جهت برانگیختن مردم است تا آنها را به اقدام فراخواند: «بیائید، بنمائید، برمائید، درآئید، گشائید، منهید، کوشید، گیرید»:

ای مردم آزاده کجائید؟ کجائید؟ آزادگی افسرد، بیائید بیائید...
اندر گفتان چوگان وین گوی به میدان با جلدی و چالاکي زودش برمائید
(همان: صص ۱۵۴-۱۵۵)

در قطعه «وطن‌پرستی»، وجه امری با لحنی حکمت‌آمیز، درس وطن‌دوستی به مخاطب میدهد. دهخدا با استفاده از این روش، وجه امری را به ابزار آموزش تبدیل کرده است:

پدر خنده بر گریه‌ام زد که هان وطن‌داری آموز از ماکیان
(همان: ص ۱۲۵)

دهخدا در شعر کوتاه «وطن» نیز از وجه امری استفاده کرده تا به مخاطب خویش هوشیاری، آگاهی و وطن‌پرستی را آموزش بدهد:

مزن سرسری پا بدین خاک و دست کس بس سر شد و دست در هر بدست
(همان: ص ۱۲۴)

در مسمط «یادآر ز شمع مرده یادآر» تلاش در جهت بیدارگری مردم فعل «یادآر» (۸ مرتبه) تکرار میشود تا ضمن بیرون کشیدن مخاطب از انفعال و غفلت، او را به اقدام و انجام عملی دعوت نماید: «اختر به سحر شمرده ، یاد آ.../از سردی دی فشرده ، یادآر» (همان: ص ۸)

نتیجه‌گیری

چهره ماندگار علی‌اکبر دهخدا در عرصه‌های روزنامه‌نگاری، لغت‌نامه‌نویسی و مبارزات سیاسی عصر مشروطه، در کنار سیمای ادبی و طنزآمیز او، زمینه‌های پربراری برای پژوهش ادبی فراهم آورده است. با این وجود، آنچه در پژوهش حاضر در کانون توجه قرار داشت، نه بررسی فعالیت‌های علمی، بلکه تحلیل سازوکارهای دستوری در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا بود. در این پژوهش، با تمرکز بر فعل به‌عنوان یکی از محورهای اصلی لایه نحوی زبان، کوشیده شد تا پیوند میان انتخاب‌های دستوری و اغراض سیاسی-اجتماعی دهخدا بررسی و تحلیل شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که انتخاب‌های دستوری دهخدا در سطح فعل، کاملاً نظام‌مند و در خدمت دیدگاه انتقادی و طنز سیاسی-اجتماعی او بوده است. افعال در اشعار سیاسی-اجتماعی دهخدا چهار ویژگی کلیدی دارند: نخست، غلبه زمان حال است (۹۷۹ فعل، ۶۰٫۹٪) که مسائل سیاسی-اجتماعی را نه به‌عنوان رخداد‌های تاریخی، که به‌صورت رویدادهایی زنده و جاری بازنمایی میکند. دوم، کاربرد گسترده دوم‌شخص مفرد (۱۹۴ فعل، ۱۲٫۱٪) و جمع (۴۱ فعل، ۲٫۵٪) که کلام را از حالت تک‌گویی سنتی به ساختاری گفتگو‌محور و تعاملی بدل ساخته است. سوم، غلبه افعال گذرا به مفعول (۵۶۳ فعل، ۳۵٪) و گذرا به مسند (۴۷۸ فعل، ۲۹٫۷٪) در کنار بسامد بسیار بالای افعال معلوم (۱،۵۶۳ فعل، ۹۷٫۱٪) که صدای دستوری متن را فعال و پویا ساخته و قدرت را در مقام عامل اصلی فساد و ملت را در جایگاه قربانی ستم بازنموده است. چهارم، کاربرد هدفمند وجه امری (۲۰۴ فعل، ۱۲٫۷٪) در کنار وجه اخباری (۱،۳۲۷ فعل، ۸۲٫۵٪) که تعادلی هوشمندانه میان افشاگری و فراخوان به کنش برقرار کرده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که الگوهای دستوری به کار رفته در شعر دهخدا در حوزه فعل، کاملاً در خدمت دیدگاه سیاسی-اجتماعی دهخدا در عصر مشروطه قرار دارند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه نویسنده می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی را از اعضای هیأت تحریریه نشریه وزن سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Abedi, K. (2000). Sur-e Esrafil and Ali-Akbar Dehkhoda: A Historical and Literary Study. Tehran: Nashr-e Ketab-e Nader.
- Ahmadi Givi, H. (2001). Historical Grammar of the Verb, Vol. 1. Tehran: Qatreh Publications.
- Amirkhanloo, M. (2015). "Stylistics of Hafez's Ghazals Based on Verb: A Functional Approach." *Persian Literature*, 5(2), Serial No. 16, pp. 169-186.

- Anvari, H., & Ahmadi Givi, H. (2011). Persian Grammar 2. Tehran: Fatemi Publications.
- Bashiri, M. (2000). "The Position of Allameh Dehkhoda in Contemporary Poetry." *Language and Literature*, No. 11, pp. 114-122.
- Dehkhoda, A. (1981). *Divan (Collected Poems)*, edited by M. Dabir Siyaghi. Tehran: Payā.
- Doroudian, V. (1983). *Dehkhoda the Poet*. Tehran: Amirkabir Publications.
- Farshidvard, K. (2011). *A Detailed Modern Grammar Based on New Linguistics*. Tehran: Sokhan.
- Fludernik, Monika. (2009). "An Introduction to Narratology" Translated from the German by Patricia Häusler-Greenfield and Monika Fludernik, Routledge, New York.
- Fotouhi, M. (2012). *Stylistics: Theories, Approaches, and Methods*. Tehran: Sokhan.
- Fowler, Roger (1986), *Linguistic Criticism*, Oxford: Oxford University Press.
- Frye, Joanne S. (۱۹۸۶). *Living Stories, Telling Lives: Woman and the Novel in Contemporary Experience*. Ann Arbor: U of Michigan P.
- Haj Seyed Javadi, H. (2003). *Survey and Research in Contemporary Iranian Literature*. Tehran: Group of Iranian Researchers.
- Ishani, T., & Nazif, N. (2015). "Stylistic Analysis of Verbs in Sa'di's Didactic Ghazals with a Functional Linguistics Approach." *Journal of Didactic Literature*, Spring 2015, No. 25, pp. 91-116.
- Kasravi, A. (2004). *History of the Constitutional Revolution*. Tehran: Amirkabir Publications.
- Khanlari, P. (1987). *History of the Persian Language*, Vol. 2. Tehran: Nashr-e No.
- Kishani Farahani, M. (2024). "Critical Discourse Analysis of the Socio-Political Poems of Ali-Akbar Dehkhoda, Mirzadeh Eshghi, and Farrokhi Yazdi Based on Van Leeuwen's Social Actors Model." PhD Dissertation, supervised by M. Akbari, University of Tehran.
- Leech, Geoffrey N., and Michael H. Short. (۲۰۰۷). *Style in Fiction: A Linguistic Introduction to English Fictional Prose*. ۲nd ed., Pearson Longman.
- Manavi Givi, L. (1998). "Critique and Analysis of Ali-Akbar Dehkhoda's Poetry." MA Thesis, supervised by J. Hamidi, Shahid Beheshti University.
- Marcus, Amit. (2008). "A Contextual View of Narrative Fiction in the First Person Plural". *Narrative*, Vol 16, No. 1, 46-۴۹-
- Moin, M. (1955). *Collected Poems of Dehkhoda*. Tehran: Zavvar.
- Palmer, F. R (1986), *Mood and Modality*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Ra'di Azarakhshi, G. (1979). "Dekhoda's Poetry." *Āyandeh Journal*, Year 5, Issues 7, 8, & 9.
- Sabbaghi, A., & Mirhashemi, T. (2018). "Analysis of the Stylistic Function of Verbs in the Quatrains of Khayyam Nishaburi." *Textology of Persian Literature*, Year 10, Winter, No. 4 (Serial 40), pp. 57-69.
- Sakenian, M., Rashidi Ashjerdi, M., & Khorasani, M. (2017). "Stylistics of Dekhoda's Satirical Poetry." *Journal of Literary Criticism and Stylistics Research*, Spring 2017, No. 27, pp. 73-103.
- Shafiei Kadkani, M. R. (2011). *With Lamp and Mirror*. Tehran: Sokhan.
- Shanbeyi, R. (2010). "How Verbs are Used in the Prose of Golestan." *Quarterly Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar-e Adab)*, Year 3, No. 4 (Issue 10), pp. 86-101.

فهرست منابع فارسی

- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۰). دستور تاریخی فعل، ج یک، تهران: نشر قطره.
- امیرخانلو، معصومه. (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی غزلیات حافظ براساس فعل، رویکرد نقش‌گرا» ادب فارسی، دوره ۵، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۶، صص ۱۶۹-۱۸۶.
- انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی ۲، تهران: انتشارات فاطمی.
- ایشانی، طاهره؛ نظیف، نرگس. (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل سبک شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، بهار ۱۳۹۴ شماره ۲۵، صص: ۹۱-۱۱۶.
- بشیری، محمود. (۱۳۷۹). «جایگاه علامه دهخدا در شعر معاصر»، زبان و ادب ۱۳۷۹ شماره ۱۱ - صص: ۱۱۴-۱۲۲.
- حاج سیدجواد، حسین. (۱۳۸۲). بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر ایران، تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- خانلری، پرویز. (۱۳۶۶). تاریخ زبان فارسی، ج ۲، تهران: نشر نو.
- درویدیان، ولی‌الله. (۱۳۶۲). دهخدا، شاعر، تهران: نشر امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۰). دیوان به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، پایا.
- رعدی آذرخشی، غلامعلی. (۱۳۵۸). شعر دهخدا، مجله آینده، سال پنجم، ش ۷ و ۸ و ۹.
- ساکینیان، مهسا؛ رشیدی آشجردی، مرتضی؛ خراسانی، محبوبه. (۱۳۹۶). «سبک‌شناسی شعر طنز دهخدا»، نشریه پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، بهار ۱۳۹۶ شماره ۲۷، صص: ۷۳-۱۰۳.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). با چراغ و آینه، تهران: سخن.
- شنبه‌ای، رقیه. (۱۳۸۹). «چگونگی استفاده از فعل در نثر گلستان» فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال سوم، شماره چهارم، ش: ۱۰، صص: ۸۶-۱۰۱.
- صباغی، علی؛ میرهاشمی، طاهره. (۱۳۹۷). «تحلیل کارکرد سبک‌شناختی فعل در رباعیات خیام نیشابوری» متن‌شناسی ادب فارسی، سال دهم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۴۰)، صص: ۵۷-۶۹.
- عابدی، کامیار. (۱۳۷۹)، صور اسرافیل و علی‌اکبر دهخدا: یک بررسی تاریخی و ادبی، نشر کتاب نادر.

فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن.

فرشیدورد، خسرو. (۱۳۹۰). دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید، تهران: سخن.

کسروی، احمد. (۱۳۸۳). تاریخ مشروطه، تهران: امیرکبیر.

کیشانی فراهانی، محمد. (۱۴۰۳). «تحلیل گفتمان انتقادی اشعار سیاسی-اجتماعی علی‌اکبر دهخدا، میرزاده عشقی و فرخی یزدی براساس الگوی کارگزاران اجتماعی ون‌لیوون» رساله دکتری، به راهنمایی منوچهر اکبری، دانشگاه تهران.

معنوی گیوی، لیلی. (۱۳۷۷). «نقد و بررسی اشعار علی‌اکبر دهخدا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی جعفر حمیدی، دانشگاه شهید بهشتی.

معین، محمد. (۱۳۳۴). مجموعه اشعار دهخدا، تهران: زوار.

معرفی نویسندگان

محمد مهدی خسروی: عضو هیئت پژوهشی موسسه لغتنامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: mmkhosrovian@ut.ac.ir)

(ORCID: 0009-0000-6726-1553)

محمد کیشانی فراهانی: دانش‌آموخته دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: m.kishani@ut.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-9174-355x)

عبدالرضا سیف: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: seif@ut.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-6810-4733)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mohammad Mehdi Khosrovian: Member of the research board of the Dehkhoda Dictionary Institute and the International Center for Persian Language Teaching, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: mmkhosrovian@ut.ac.ir)

(ORCID: 0009-0000-6726-1553)

Mohammad Keyshani Farahani: Graduated from the PhD program in Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: m.kishani@ut.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-9174-355x)

Abdolreza Seif: Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: seif@ut.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-6810-4733)